

تحلیلی بر فرآیند

تعیین نیازهای آموزشی ترویجی زنان روستایی

قسمت دوم و آخر

● دکتر حسین شعبانعلی فمی

سر و کار دارند نیز براحتی قابل استاندارد نمودن هستند. البته این آزمونها دارای کارکرد ابزاری در دو بعد جمع آوری داده‌ها از وضع مطلوب هستند. در واقع، یک آزمون استاندارد شده، هم «وسيله‌ای برای گردآوری اطلاعات» و هم «مبنایی برای تعیین فاصله فراگیران تا حد مطلوب» است. در هر صورت، منابع زیر برای تعیین استانداردها و تطابق آن با وضع موجود می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد:

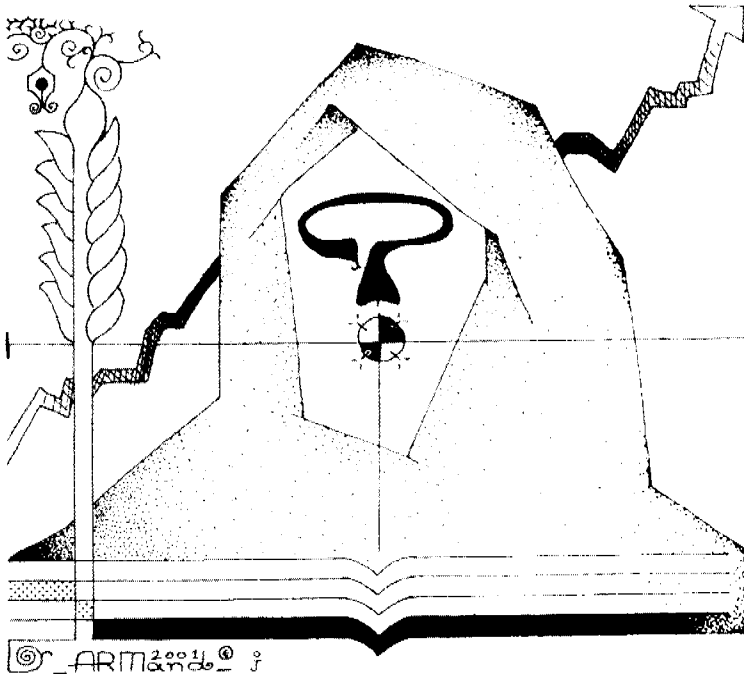
- * در سنجش نیازهای دانشی کارشناسان؛ منابع علمی و نتایج تحقیقات محلی: بهتر است تحقیقات محلی در منابع علمی گنجانیده شوند.
- * در سنجش نیازهای نگرشی؛ تحقیقات بین‌المللی، هنجارهای اجتماعی، مذهب، نظرهای کارشناسی و کتابهای علمی از منابع اصلی هستند که حد مطلوبیت یک نگرش را تعیین می‌کنند.
- * در سنجش مهارتها؛ نظرهای کارشناسی و منابع علمی: واحدهای تحقیقاتی باید به این امر مهم توجه خاصی داشته باشند.

لازمه نیازسنجی کامل و دقیق زنان روستایی، جمع‌آوری اطلاعات جامع می‌باشد. این اطلاعات

روستاییان با یکدیگر متفاوت است. حتی در بین کارشناسان نیز تنوع برداشتها از موضوع وجود دارد. به نظر می‌رسد که یکی از وظایف نظام آموزش ترویج، تعیین استانداردهای وضع مطلوب باشد. در صورت تعیین این استانداردها، فرآیند نیازسنجی بسیار آسان و دور از آشفتگی و پراکندگی نظر هاست. تا آنجا که به ترویج یا به عبارت کلی‌تر به توسعه منابع انسانی بازمی‌گردد، نیاز مبرمی به تهیه آزمونها یا تستهای استاندارد آموزشی یا روانی برای سنجش دانش، نگرش و مهارتها وجود دارد. اگر در زمینه دانش کشاورزی، آزمونهای استاندارد برای سنجش این موضوع که در واقع اندازه‌گیری تحلیلی و بازبایی اطلاعات است، درست شود، براحتی می‌توان به نیازسنجی پرداخت و هر گونه فاصله از وضع مطلوب را شناسایی نمود. در مورد «نگرش» نیز باید حد مطلوبیت باید توسط کارشناسان تعیین شود. به عنوان مثال، اینکه چه زمانی را می‌توان آموزشهای «سنجش نگرش» می‌تواند کمک بسیار زیادی در این زمینه بنمایند. آزمونهای «اندازه‌گیری مهارت» یا «نحوه انجام کار» که با توان روانی-حرکتی و شناختی انسان

جایگاه استانداردسازی و تعیین معیارها در نیازسنجی آموزشی

برای آنکه کار نیازسنجی آموزشی زنان روستایی موفقیت‌آمیز باشد، نیاز است که وضع موجود با وضع مطلوب مورد مقایسه قرار گیرد. در بسیاری از موارد، پس از گردآوری داده‌ها از وضع موجود، نتایج آن با معیارهای بیرونی مورد مقایسه قرار می‌گیرد که می‌تواند مبنای خوبی برای تکمیل کار نیازسنجی باشد، ولی باید توجه کرد که بسیاری از روستاییان برای خود معیارهایی دارند که در دانش بومی آنها ریشه دارد. به هر حال، تعیین شاخصهای تعیین‌کننده وضع مطلوب، کار و وظیفه‌ای خطیر می‌باشد. لذا برنامه‌ریزان آموزشی باید تلاش کنند تا معیارهای خود را با دانش بومی روستاییان منطبق و سازگار نمایند. امروزه یکی از مشکلات اصلی در فرآیند نیازسنجی آموزشی زنان روستایی، عدم وجود تصویر یگانه و واضح از وضع مطلوب است. در تعریف وضع مطلوب، دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. در بسیاری از اوقات، نظر کارشناسان و



با مواردی مانند الگوی مشارکت، هدفهای توسعه ملی و منطقه‌ای، نیازهای احساس شده، پیشرفت‌های علوم و فن آوری، دانش بومی، تغییرات اقتصادی - اجتماعی و محیطی مرتبط هستند که از عوامل اصلی کار نیازسنجی آموزش زنان روستایی می‌باشند. عوامل فوق به نوعی در فرایند نیازسنجی مؤثر هستند. برخی از این عوامل برای تعیین وضع موجود و برخی برای تعیین وضع مطلوب و بعضی نیز نشاندهنده فاصله بین دو وضعیت می‌باشند. در واقع، برنامه‌ریز آموزشی در ارزیابی نیازهای زنان روستایی به چهار دسته اطلاعات نیازمند است که عبارت‌اند از:

- ۱- اطلاعات مربوط به تعیین وضع موجود (الگوی مشارکت)
- ۲- اطلاعات مربوط به تعیین وضع مطلوب (علوم جدید و دانش بومی)
- ۳- اطلاعات مربوط به نیازهای احساس شده (نیازهای پنهان و آشکار بیان شده در قالب مشکلات)
- ۴- اطلاعات مربوط به عوامل مؤثر در تغییر

نیازها (تغییرات محیطی، اقتصادی و اجتماعی) نگرش سیستمی یا نظامدار در تعیین نیازهای آموزشی - ترویجی زنان روستایی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

در هنگام نیازسنجی آموزشی ترویجی زنان روستایی باید به عوامل پیرامونی مرتبط با این فرایند، توجه شود. به عنوان مثال ممکن است که فاصله بین وضع موجود و مطلوب که بیانگر نیاز زنان روستایی است، الزاماً با ارائه خدمات آموزشی پُر نشده و نیازمند فعالیتهای مختلف مانند تأمین نهاده‌ها و اعتبارات، توسعه فن آوری، آموزش مروجان، آموزشهای توجیهی روستاییان و... باشد. بنابراین، نیازسنجی آموزشی به عنوان بخشی از فرایند نیازسنجی عمومی زنان روستایی بوده و بررسی انفرادی آن بدون توجه به سایر نیازها، داری نواقص زیادی خواهد بود و گروه‌ای از مشکلات گروه هدف باز نخواهد کرد. بنابراین باید سهم نیازهای آموزشی در نیازهای عمومی زنان روستایی، تعیین و امکان‌پذیری تأمین آنها مورد بررسی قرار گیرد.

روشهای تعیین نیاز آموزشی

برای تعیین نیاز آموزشی، روشهای مختلفی وجود دارد که هر یک از آنها در شرایط خاصی، بیشترین کارایی را دارد. در بسیاری از مواقع نیز ترکیبی از روشهای مختلف به کار گرفته می‌شود. در بخش کشاورزی، تعیین نیاز آموزشی در قالب

به طور کلی، نیازهای کشاورزان ممکن است از راههای مختلفی تعیین و شناسایی شود. این راهها عبارت‌اند از:

- گزارش مستمر مروجان از بازدیدهای خود
- به کارگیری روشهای ارزیابی سریع و مشارکتی روستایی
- تحقیقات میدانی
- نظرخواهی از کاشناسان موضوعی
- و...

برخی از روشهای ارزیابی سریع و مشارکتی روستایی عبارت‌اند از:

۱) روشهای انفرادی^۲

این روشها عبارت‌اند از؛ گردآوری داده‌ها از افراد یک جامعه به طور انفرادی، بدون آنکه این افراد در زمان جمع‌آوری داده‌ها با یکدیگر در تعامل باشند.

مهمترین مزیت روشهای انفرادی نیازسنجی آموزشی زنان روستایی، «قدرت فوق‌العاده آنها در گردآوری داده‌ها و اطلاعات بیچیده در مورد افراد یا خانوارها» می‌باشد. از آنجایی که تعاملات فردی در این روشها در سطح بالایی قرار دارد، فرایند نیازسنجی همزمان فرصتی برای گردآوری اطلاعات پیرامون نیازها و مشکلات بوده و شرایط لازم را برای یادگیری متقابل فراهم می‌سازد.

عنوانهای متفاوتی صورت گرفته است به عنوان مثال در بنگلادش، ارزیابی نیازهای اطلاعاتی کشاورز (FINA)^۱ برنامه‌ای است که به منظور شناسایی مشکلات و فرصتهای کشاورزان به اجرا درمی‌آید و هدف نهایی آن، تعیین نوع اطلاعات مورد نیاز آنهاست.

ارزیابی نیازهای اطلاعاتی کشاورز از دیدگاههای زیر حائز اهمیت است:

- ۱- تضمین ترویج مبنی بر تقاضا^۲
- ۲- فراهم کردن زمینه مشارکت کشاورزان در ترویج
- ۳- افزایش ثمربخشی هزینه
- ۴- تضمین جهتگیری مناسب برنامه‌های ترویج

این ارزیابی در کنار دیدگاههای برشمرده، نتایج مثبتی برای سازمان ترویج دارد که در انجام امور زیر مفید و مؤثر خواهد بود:

- برنامه‌ریزی فعالیتهای ترویجی
- تعیین بهترین روش ترویجی برای استفاده
- تعیین پیامدهای مناسب ترویجی برای انتقال
- برنامه‌ریزی برای کارآموزی کارکنان و به‌طور کلی برنامه‌ریزی کاری
- راهنمایی و کمک در برنامه‌های نظارت و ارزشیابی
- فراهم نمودن اطلاعات پایه برای سایر فعالیتهای (DAE, 1999)



مطالعین کلیدی روستا افرادی هستند که به دلیل داشتن حرفه‌ای بالا به عنوان افراد خبره و آگاه در یک امر شناخته شده‌اند و یا نفوذ بالایی در جامعه یا سازمانهای محلی دارند

گروهی یا جمعی صورت می‌پذیرد. در هر یک از این ملاقاتها، روستاییان مسائل و مشکلات خود را که به نوعی بیانگر نیاز آنان است، در میان می‌گذارند. گاهی حتی در تماس انفرادی، یک مشکل عمومی از زبان یک نفر کشاورز مطرح می‌گردد. اگر مروجان سعی کنند چکیده گفتگوهای انجام شده در هر تماس را در یادداشت‌های خود ثبت و طبقه‌بندی نمایند، این امر می‌تواند به عنوان مرجعی برای تعیین نیازها قرار گیرد. اهمیت این موضوع تا آنجاست که اگر به دلیل مشکلات و موانع متعدد امکان نیازسنجی با روشهای دیگر وجود نداشته باشد، یادداشت‌های مروجان مبنای خوبی بر این مسئله خواهد بود. البته تفکیک نیازها به «آموزشی» و «غیرآموزشی» بر اساس این یادداشتها، امری است که می‌تواند با همکاری سایر کارشناسان صورت پذیرد. اگر موضوع یادداشت‌برداری توسط مروج به صورت یک عادت درآمده و به آن اهمیت ویژه‌ای داده شود، می‌تواند مرجعی برای تعیین نیازهای نامحسوس یا بیان نشده توسط کشاورزان نیز باشد. به عنوان مثال هنگامی که یک مروج از یک واحد تولیدی بازدید می‌کند، متوجه مشکلات و نواقصی می‌شود که خود کشاورز متوجه آنها نیست. به عبارت دیگر، وضعیت فیزیکی موجود، مروج را نسبت به وجود مشکلات آگاه می‌سازد که این عمدتاً به دلیل آگاهی مروج از «وضعیت مطلوب» و قدرت مقایسه او با «وضع موجود» است.

■ مشاهدات شخصی رسمی^{۱۱}

این روش بر اساس استفاده از فرمهای نرخ‌گذاری یا جدولهای مشاهده انجام می‌گیرد. تفاوت این روش با نوع غیررسمی در این است که در این روش مواردی که باید مورد مشاهده قرار گیرند از پیش تعیین می‌شوند.

(McCaslin and Tibeziinda, 1997)

■ پژوهش پیمایشی یا زمینه‌یاب^{۱۲}

گاهی اوقات روشهای فوق با یکدیگر ترکیب و در قالب یک روش نیازسنجی کلی‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از معروفترین این

■ مصاحبه با مطلعین کلیدی^۷

مطالعین کلیدی روستا افرادی هستند که به دلیل داشتن حرفه‌ای بالا به عنوان افراد خبره و آگاه در یک امر شناخته شده‌اند و یا نفوذ بالایی در جامعه یا سازمانهای محلی دارند به عنوان مثال معلمان، رهبران مذهبی و سیاسی، از این دسته‌اند. تجربه نشان داده است که این افراد اطلاعات نسبتاً دقیقی در مورد مشکلات و نیازهای روستاییان دارند. این افراد بویژه زمانی مؤثر خواهند بود که اطلاعات باید با بودجه کم و در زمان کوتاه جمع‌آوری شود. (McCaslin and Tibeziinda, 1997)

■ پرسشنامه^۸

این روش رسمی‌تر از مصاحبه بوده و می‌تواند به وسیله تلفن یا پست و... انجام می‌شود. این روش بیشتر در کشورهای توسعه یافته یا جوامعی استفاده می‌شود که در آنها درصد پاسوادی بالا بوده و مردم به خدمات پستی و مخابراتی دسترسی مناسبی دارند.

(McCaslin and Tibeziinda, 1997)

■ مشاهدات شخصی غیررسمی^۹

بسیاری از داده‌های ارزشمند از این طریق به دست می‌آیند؛ مانند هنگامی که مروج در سفر خود از مزارع روستاییان بازدید کرده و یا در مزرعه به آنها در انجام کاری کمک می‌کند. اگر نکات مطرح یا تجربه شده در این بازدیدها یادداشت شوند مبنای بسیار خوبی برای نیازسنجی هستند.

(McCaslin and Tibeziinda, 1997)

■ روش بازدید و مشاهده دست‌اندرکاران

ترویج و یادداشت مروج^{۱۰}

معمولاً هر بازدیدی که مروج یا کارشناس ترویج از روستا به عمل می‌آورد، حاصل آن، ملاقاتهای گوناگونی است که به صورت انفرادی،

به هر حال مهمترین محدودیتهای روشهای انفرادی در نیازسنجی آموزشی زنان روستایی، «عدم امکان به کارگیری محققان و مروجان مرد» می‌باشد که این امر بویژه در جامعه اسلامی ایران، صادق است، چرا که برای کسب اطلاعات از نیازها و مشکلات زنان روستایی حتماً باید از محققان و مروجان زن کارآمد و آموزش دیده، استفاده کرد تا ضمن احترام به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع مربوط، بتوان کارایی فرایند نیازسنجی را در گردآوری اطلاعات دقیق و صحیح، بالا برد.

■ مصاحبه چهره به چهره^۴

کارایی این روش بیشتر زمانی است که پاسخگویان و افراد مخاطب، کم سواد باشند و یا اینکه در مورد یک موضوع پیچیده، اطلاعات کمی موجود باشد.

در این روش بر اساس زمان موجود برای مصاحبه و یا موضوع مورد مصاحبه، می‌توان از سؤالهای با ساخت^۵ یا بدون ساخت^۶ استفاده کرد. سؤالهای «بدون ساخت» در جمع‌آوری داده از شرایط پیچیده، بسیار مناسبتر است. به عنوان مثال زمانی که از کشاورزی سؤال شود که؛ «چگونه منابع مالی خود را به امور مختلف مزرعه تخصیص می‌دهد؟».

(McCaslin and Tibeziinda, 1997)

رہیافت متعارف پژوهش، ارزیابی کاملی از توانایی مردم روستایی به دست نمی‌دهد و دانش، خلاقیت و شایستگیهای آنان را در معرفی و تجزیه و تحلیل اطلاعات پیچیده، نادیده می‌گیرد



روشها، پژوهش پیمایشی است که البته برای هدفهای دیگری نیز ممکن است مورد استفاده قرار گیرد. این روش یکی از متداولترین روشهای پژوهش در «علوم رفتاری» و «توسعه روستایی» است که عمدتاً مبتنی بر کسب اطلاعات از طریق مصاحبه حضوری، پرسشنامه پستی و یا تلفن می‌باشد. این روش که در بررسیهای توسعه روستایی، فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارائه‌کننده یک تصویر ناقص از جمله مربوطه بوده و همواره راه‌حلهای یکسانی را پیشنهاد می‌کند. روش پژوهش پیمایشی قادر به درک روابط پیچیده جامعه روستایی نبوده و در آن، درک افراد خارج از روستا موقعیت، نیازها و مشکلات ساکنان روستا بر درک خود روستاییان از زندگی، ارجحیت دارد. در این روش، جمعیت‌های بزرگ یا کوچک با انتخاب نمونه، مورد مطالعه قرار می‌گیرند و با بررسی این نمونه، به تفسیر ویژگیهای جامعه پرداخته می‌شود. بنابراین، صحت نتایج این تحقیق به مقدار زیادی به روش نمونه‌گیری وابسته می‌باشد. (Kerlinger, 1995)

استفاده از این روش در نیازسنجی آموزشی زنان روستایی، مزایا و معایبی دارد. مهمترین مزیت روش پژوهش پیمایشی در نیازسنجی زنان روستایی، عبارت است از «کسب اطلاع از نیازهای آموزشی یک جامعه بزرگ از طریق نمونه‌گیری که به موجب آن در زمان و انرژی و همچنین منابع مالی صرفه‌جویی می‌شود.»

چمبرز (Cnambers, 1991) معتقد است که گرایش و تمایلی عمومی وجود دارد که تنوع جوامع روستایی تنها بر اساس زمان، مکان، جنسیت، سن، و گروههای قومی، در نظر گرفته شود. این تمایل، از درک و ثبت اختلافات و تنوعات جوامع گوناگون روستایی جلوگیری می‌کند. بنابراین، تصویر حاصل از این معیارهای استاندارد شده برای سنجش مشکلات روستایی، ناقص، ساده و گویای کلیت و تمامیت مشکل نیست؛ لذا رهیافت متعارف پژوهش، ارزیابی کاملی از توانایی مردم روستایی به دست نمی‌دهد و دانش، خلاقیت و شایستگیهای آنان را در معرفی و تجزیه و تحلیل اطلاعات پیچیده، نادیده می‌گیرد. این موضوع سبب شده تا در طول

دو دهه گذشته، روش متعارف پژوهش توسط بسیاری از متخصصان و کارشناسان مورد انتقاد قرار گیرد.^{۱۳}

در این نوع تحقیق که گاهی از آن به عنوان «سفر به سیاحت توسعه سیاسی» نیز نام برده می‌شود، اربیها یا تورشها و تحریفهای متعددی شناسایی شده که باعث هدایت نامناسب و نادرست کارگزاران توسعه روستایی شده است. چمبرز (1993) این تورشها و اربیها را

به نحو مطلوبی در چهار دسته طبقه‌بندی کرده که عبارت‌اند از:

(الف) اربیهای فضایی^{۱۴}: در اینجا مردم مرفه و ثروتمندی که در روستاهای کنار جاده اصلی و با مسیرهای اصلی داخل روستا با نزدیک خدمات روستا زندگی می‌کنند، بیشتر مورد ملاقات قرار گرفته و مردم فقیرتر که عمدتاً در مناطق دورتر و در حاشیه قرار دارند، فراموش می‌شوند.

(ب) اربیهای زمانی^{۱۵}: در اینجا اکثر بازدیدها در فصلها یا ماههایی صورت می‌گیرد که جاده‌ها، باز می‌باشند. این بازدیدها هم چنین در اکثر مواقع در ساعتهایی از روز اتفاق می‌افتد که مردم سرگرم کارهای جاری و روزمره خود در مزارع هستند.

(ج) اربیهای مردمی^{۱۶}: در اینجا کارگزاران توسعه، تنها با رهبران محلی روستا و مردم تماس می‌گیرند که به طبقه ثروتمند و نخبگان روستایی تعلق دارند.

(د) اربیهای پروژه‌های^{۱۷}: در اینجا تنها طرحهای موفق یا روستاهای نمونه، به محیط خارج از روستا معرفی می‌شوند، به طوری که برداشت عمومی این است که این نمونه‌های گویا و کوچک از تلاشهای انجام شده است. به عنوان مثال، معرفی یک طرح موفق از یک منطقه بزرگ محروم، این نکته را القا می‌کند که این نمونه معرف شرایط عمومی حاکم بر منطقه است.

سایر معایب این روش در نیازسنجی آموزشی

زنان روستایی عبارت‌اند از:

* امکان کسب اطلاعات عمقی از مشکلات واقعی زنان روستایی و ریشه‌های اصلی آن، وجود ندارد.

* احتمال وقوع خطا در نمونه‌گیری و گاهی تجزیه و تحلیل‌های آماری وجود دارد.

* به دلیل تأثیر منفی ناشی از شرایط مصاحبه، احتمال دریافت اطلاعات غیرواقعی وجود دارد که طی آن ممکن است زنان روستایی مانند حالت عادی عمل نکنند.

* این روش به دانش و مهارت بالای تحقیق توسط محققان، نیاز دارد (مهارت در نمونه‌گیری، مصاحبه، تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات و ...)

* تحلیل اطلاعات معمولاً بر مبنای معیارهای بیرونی و عدم توجه به دانش بومی صورت می‌گیرد.

(۲) روشهای گروهی^{۱۸}:

این روشها به مشارکت کنندگان و مخاطبان اجازه می‌دهد تا در مدت کار نیازسنجی با یکدیگر در تعامل بوده و تبادل نظر کنند. در این روشها، اطلاعات می‌توانند به صورت کتبی یا شفاهی جمع‌آوری شوند. موفقیت این روشها به شایستگی رهبری گروه، علاقه و دانش مشارکت‌کنندگان بستگی دارد. به کمک روشهای گروهی نیازسنجی آموزشی می‌توان نیازهای مشترک یک گروه از

روش دلفی دارای دو مزیت است، اول اینکه، مانع از رودررو شدن مستقیم افراد با نظرهای متفاوت می‌شود و فرد مجبور نمی‌شود که با فشار دیگران نظر خود را عوض یا ایده آنها را بپذیرد. دوم اینکه، نیازی به ترتیب دادن برنامه سفر برای گروه مشارکت‌کنندگان و گردآوری آنها در یک مکان مرکزی وجود ندارد

زنان روستایی را تعیین کرد. در این روشها بهتر است که از محققان و مروجان زنی استفاده شود که مهارتهای لازم را در زمینه توانایی رهبری و مدیریت جلسه‌های گروهی داشته باشند. با توجه به اینکه فلسفه روشهای سریع و مشارکتی روستایی بر فعالیت گروهی بنا شده، این دو روش نیز با عنوان روشهای گروهی طبقه‌بندی و ارائه می‌شوند. برخی از روشهای نیازسنجی گروهی عبارت‌اند از:

● روش دلفی:

در این روش، افراد با اطلاعات و دانش استثنایی در یک زمینه خاص به طور مستمر مورد سؤال قرار گرفته و از آنها از طریق پرسشنامه، اطلاعات به دست می‌آید تا زمانی که اجماع در خصوص موضوع مورد بررسی حاصل شود. (Miller and Hustedde, 1987)

در این روش، از ۱۰ تا ۱۵ نفر مخاطب استفاده می‌شود تا پاسخهای آنها تفاوت کمی با هم داشته باشند، ولی اگر زمانی فرا رسد که اختلاف نظر بین افراد زیاد شود، باید از نمونه‌های بزرگتر استفاده کرد. در این فرایند، ابتدا نیازهایی که باید ارزیابی شوند، افرادی که باید دخالت داشته باشند و اطلاعاتی که باید جمع‌آوری شود، تعیین می‌شوند و سپس ۳ تا ۴ سری پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها تهیه می‌شود. در پرسشنامه سری اول، سؤالها باز^{۱۹} هستند و مشارکت‌کنندگان پاسخ خود را در زیر هر سؤال می‌نویسند. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه از افراد درخواست می‌شود که نظرهای خود را در مورد اظهار نظر دیگران مشخص کنند. به این صورت که «آیا با موارد مطرح شده توسط سایرین به عنوان مشکل یا نیاز، موافق هستند یا خیر؟» این پاسخها نیز مجدداً از طریق مطابقت جوابها و خلاصه‌بندی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و پرسشنامه سوم بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه

دوم طراحی می‌شود. در این پرسشنامه از افراد پرسیده می‌شود که پاسخها و اولویت‌بندی خود را با نظرهای گروه، مورد مقایسه قرار دهند و اگر نظر جدیدی دارند ارائه نمایند. همچنین از آنها خواسته می‌شود تا به موارد مطرح شده توسط جمع، رأی داده یا آنها را به ترتیب اولویت طبقه‌بندی کنند. اگر بعد از پرسشنامه سوم هنوز موارد زیادی وجود داشته باشد که گروه بر روی آن اتفاق نظر نداشته‌اند، باید پرسشنامه‌های دیگری طراحی شوند. بعد از اینکه پرسشنامه آخر نیز کامل شد، یک گزارش نهایی بر اساس نتایج این پرسشنامه (آخرین) تهیه و برای مشارکت‌کنندگان ارسال می‌شود. این گزارش باید به نحو مقتضی تهیه شود، به این صورت که در آن هدفها، فرایندها، نتایج و عملیات به طور دقیق، خلاصه و به عنوان نتیجه این مطالعه طبقه‌بندی شوند. روش دلفی دارای دو مزیت است، اول اینکه، مانع از رودررو شدن مستقیم افراد با نظرهای متفاوت می‌شود و فرد مجبور نمی‌شود که با فشار دیگران نظر خود را عوض یا ایده آنها را بپذیرد. دوم اینکه، نیازی به ترتیب دادن برنامه سفر برای گروه مشارکت‌کنندگان و گردآوری آنها در یک مکان مرکزی وجود ندارد.

البته این روش معایب زیادی نیز دارد. به عنوان مثال در این روش، زمان طولانی و قابل توجهی باید صرف شود.

در ایالات متحده برآورد شده که از زمان تهیه اولین پرسشنامه تا گزارش نهایی، حداقل ۴۵ روز وقت نیاز است و این زمان در کشورهای در حال توسعه ممکن است طولانی‌تر شود؛ زیرا خدمات پستی، مشکلات بیشتری دارند.

دومین محدودیت این روش، نیاز آن به مهارت بالای نوشتاری توسط مشارکت‌کنندگان است. افراد شرکت‌کننده علاوه بر داشتن مهارت نوشتن خوب، باید انگیزه کافی برای همکاری داشته باشند.

● اساس روش مصاحبه‌های گروهی متمرکز^{۲۰}:

بر اساس تعریف کرونگر^{۲۱} این روش، روشی است که در آن گروهی از مردم با ویژگیهای مشخص در یک بحث متمرکز، اطلاعات و داده‌هایی از نوع کیفی را فراهم می‌کنند. در هر مصاحبه، ۶ تا ۸ نفر از مردم با نظرهای یک گرداننده و یک کمک گرداننده جلسه^{۲۲} به مدت یک تا دو ساعت بر روی یک موضوع مشترک بحث می‌کنند. مباحث بر روی یک نوار ضبط می‌شود و بعد از طریق نوار، استخراج و به صورت داده‌هایی کیفی گزارش می‌شوند. به طور معمول چندین مصاحبه

از این نوع انجام می‌شود که در هر مصاحبه، گرداننده جلسه سؤالهایی را در مورد یک نیاز، مطرح می‌کند تا بحث پیرامون آن انجام گیرد.

در این روش حداقل پنج مرحله وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. این مراحل عبارت‌اند از:

الف) طراحی یک مسیر پرسشگری^{۲۳}: این مسیر پرسشگری بر مبنای نیازسنجی تعیین می‌شود. به این ترتیب که در آن استفاده‌کنندگان آتی این نوع اطلاعات، سؤالهایی را طرح می‌کنند. این سؤالها که مرتبط با نیازها هستند، معمولاً به زبان محلی طرح می‌شوند.

ب) تعیین افراد مشارکت‌کننده در مصاحبه: با توجه به اینکه در این روش چندین مصاحبه باید صورت گیرد که گاهی از روستاهای مختلف یا گروههای متفاوت در یک روستا است؛ افراد شرکت‌کننده در هر مصاحبه باید تعیین شوند و تا حد امکان، افراد انتخاب شده باید نماینده گروههای مختلف روستاییان باشند. به عنوان مثال، نمایندگانی از رهبران مذهبی، بهداشت کاران، معلمان روستا، زنان روستایی، کشاورزان خرده‌پا و ... دعوت شوند و هدف از این کار بخوبی برای آنها بیان شود.

ج) تهیه جدول زمان فعالیت‌هایی که باید یکی بعد از دیگری انجام شود.

د) انجام مصاحبه با حضور گردانندگان جلسه که نقش آنها هدایت بحث و جلوگیری از اظهار نظر متفرقه و غیرضروری می‌باشد.

ه) تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه گزارش که در آن، ارائه داده‌ها با تفسیر نتایج همراه می‌باشد.

● روش گروه اسمی^{۲۴}:

این روش توسط دلبک^{۲۵} مطرح شد، اما بعدها توسط میلر و هاستند^{۲۶}، شیوه‌نامه‌هایی در مورد چگونگی استفاده از آن در نیازسنجی اجتماعی ایالات متحده تدوین شد. این روش می‌تواند برای تعیین اولویتها از بین حالتهاى مختلف و ممکن در فرایند نیازسنجی، به کار گرفته می‌شود. در این روش، هر چند داده‌ها به صورت گروهی جمع‌آوری می‌شوند، ولی ارتباطات کلامی در بین اعضای گروه به حداقل می‌رسد. شاید به همین علت است که آن را گروه اسمی یا صوری می‌نامند. در این روش، مراحل ششگانه‌ای وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف) بیان مشکل یا سؤال: در این مرحله یک سؤال توسط گرداننده جلسه مطرح می‌شود تا شرکت‌کنندگان گروه درباره آن پاسخهای خود را ارائه نمایند.



با) تولید یا ایجاد ایده‌ها: اعضای شرکت کننده گروه دور یک میز رودرروی یکدیگر نشسته و از آنها خواسته می‌شود تا در سکوت، دقایقی را صرف کرده و نظرات خود را در مورد سؤال طرح شده بر روی کاغذ بنویسند. سکوت این اجازه را به آنها می‌دهد تا بتوانند ایده‌های جدیدی را در ذهن خود پیورانند.

ج) ارائه ایده‌ها یا نظرها: بعد از آنکه کار نوشتن ایده‌ها بر روی کاغذ پایان یافت هر عضو شرکت کننده یکی از مهمترین ایده‌های خود را بر روی کاغذ نوشته، ارائه می‌کند و فرد مسئول یا گرداننده جلسه آن ایده‌ها را بر روی یک تخته سیاه (یا نوع دیگری از تخته‌ها) می‌نویسد، بدون آنکه هیچ گونه قضاوتی در مورد آنها داشته باشند. د) شفاف‌سازی ایده‌ها: در این قسمت از شرکت کنندگان درخواست می‌شود تا به ترتیب نظرات مخالف یا موافق خود را با هر ایده‌ها مطرح نمایند و دلایل مربوطه را نیز بیان کنند. این امر باعث می‌شود که اگر ایده‌های بسیار سؤال برانگیز وجود دارد یا حذف شوند و یا بعد از این بحث کوتاه و ارائه دلایل، گروه به یک حالت اتفاق نظر بیشتر برسند.

ه) تعیین اولویتها: در این مرحله، یک سری کارت در بین اعضای شرکت کننده تقسیم می‌شود و از آنها درخواست می‌شود تا سه مورد از ایده‌های مطرح شده را که به نظر آنها از بقیه مهمتر هستند به ترتیب اولویت در آن کارتها مشخص نمایند. کارتها به نحوی طراحی و تکمیل می‌شوند که در آن ناشناخته بودن پاسخگو حفظ شود. بعد از بررسی نظرات پیرامون اولویتها، نتایج آن به صورت طبقه‌بندی شده بر روی تخته منعکس می‌شود.

و) بحث و رأی گیری: در این مرحله، شرکت کنندگان بر روی نتایج نهایی، رأی گیری می‌کنند که در نهایت ممکن است یک یا دو مشکل و نیاز اساسی به اتفاق آراء به تصویب برسد.

این روش مانند روش دلفی کمتر مورد استفاده کشورها در حال توسعه قرار می‌گیرد. علت اصلی این امر، پایین بودن سطح مهارتهای نوشتاری شرکت کنندگان است.

● روشهای گروهی غیررسمی^{۲۷}:

در این روش، اطلاعاتی از مشکلات اصلی در جلسه‌ها و گردهماییهای گروهی و اجتماعی کسب شود که در آن هیچ گونه فرایند هدایت شده‌ای وجود ندارد و افراد گروه ممکن است مشکلات و نیازهای متفاوتی از خانوادگی گرفته تا سازمانی را

در روش اسمی، هر چند داده‌ها به صورت گروهی جمع‌آوری می‌شوند، ولی ارتباطات کلامی در بین اعضای گروه به حداقل می‌رسد. شاید به همین علت است که آن را گروه اسمی یا صوری می‌نامند.

مطرح نمایند. این جلسه‌ها معمولاً با هدف نیازسنجی تشکیل نشده، بلکه هدف از آن طرح مسائل تفریحی، مذهبی یا فرهنگی می‌باشد ولی در کنار آن نیازهای دیگر نیز مطرح می‌شود.

● ارزیابی سریع روستایی^{۲۸} (RPA):

در دهه ۷۰ میلادی و به دنبال مشکلات شناخته شده در روشهای متعارف تحقیقات توسعه روستایی، روشی با عنوان «ارزیابی سریع روستایی» معرفی شد که متأثر از روشهای دیگر، بویژه تحقیق نظام مزرعه‌ای بود. برخی از پیشگامان این روش شناسی جدید، عبارت بودند از: «روبرت چمبرز»، «پتر هیلبرند»، «روبرت رودس» و «مایکل کولیسون»^{۲۹}. این افراد همراه با تعداد دیگری از کارشناسان مسائل توسعه روستایی، در کنفرانسهای مؤسسه مطالعات توسعه واقع در انگلیس، در اکتبر ۱۹۷۸ و دسامبر ۱۹۷۹ شرکت کرده و این مفهوم جدید را ارائه نمودند.^{۳۰}

از آن زمان تا کنون، روش ارزیابی سریع روستایی توسط افراد مختلفی تعریف و توصیف شده است. در یک تعریف آمده است: «ارزیابی سریع روستایی یک فرایند یادگیری درباره شرایط روستایی در یک قالب و سبک فشرده، نظامدار، قابل تکرار و سریع می‌باشد که توسط یک تیم تخصصی چند رشته‌ای و اعضای جامعه مورد نظر در آن جامعه به اجرا درمی‌آید»^{۳۱}.

در یک توصیف عمومی، این روش دربرگیرنده هر فعالیت نظامداری است که به منظور استخراج، نتیجه‌گیری، طرح فرضیه‌ها یا سنجش مسائل روستایی در یک دوره زمانی کوتاه به اجرا درمی‌آید. این روش در نهایت به دنبال ارتقای درک و شناخت از شرایط روستایی با تأکید ویژه بر کسب دانش محلی و ترکیب آن با دانش مدرن و تخصصی است.^{۳۲}

به عنوان مثال یک روش شناسی جدید در توسعه کشاورزی و روستایی، روش ارزیابی سریع روستایی هدفهای زیر را در برنامه کار خود قرار داده که عبارت‌اند از:^{۳۳}

- (ارزیابی نیازهای کشاورزی و سایر نیازهای جامعه روستایی
- (اولویت‌بندی زمینه‌های تحقیقاتی مرتبط با این نیازها
- (بررسی عملی نمودن یا امکان‌پذیری طرحهای عملیاتی و تحقق هدفها و نیازهای توسعه
- (اجرای طرحهای عملیاتی، نظارت و ارزشیابی آنها
- (بررسیهای بعدی نشان داد که تنها سرعت بخشیدن به کار گردآوری داده‌ها کافی نیست، بلکه

باید فرصت بیشتری به مردم روستایی داده شود تا بتوانند اطلاعات مورد نیاز زندگی خود را پس از گردآوری، تجزیه و تحلیل کرده و بر اساس آن عمل نمایند.

به منظور تأمین این هدف در اواخر دهه ۸۰ میلادی، روش شناسی دیگری که در واقع شکل تکامل یافته ارزیابی سریع روستایی بود با عنوان «ارزیابی مشارکتی روستایی» یا به عرصه ظهور گذاشت.

هر چند بین دو روش ارزیابی سریع روستایی و مشارکتی شباهتهایی وجود دارد، ولی این دو شیوه در هدفهای خود، یکسان نمی‌باشند. ارزیابی سریع روستایی به عنوان ابزاری در دست افراد خارج از جامعه محلی است که از طریق آن، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده و به خارج از محیط بومی منتقل می‌شوند و سپس بر حسب نیاز از آن در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. اما روش ارزیابی مشارکتی روستایی صرفاً ابزاری برای گردآوری اطلاعات مناسب، صحیح و بهنگام نیست، بلکه فرایندی برای تواناسازی مردم محلی است تا ضمن بروز قابلیت‌های دانش محلی از آن در جهت تحول زندگی شخصی و محیط اجتماعی خویش بهره ببرند. (شعبانعلی فمی، ۱۳۷۹)

ارزیابی سریع روستایی به عنوان یک روش سنجش نیازهای آموزشی زنان روستایی مزایای زیادی دارد که مهمترین آنها بشرح زیر می‌باشد: - افزایش درک عمومی نسبت به ارزش و اهمیت دانش بومی به عنوان مهمترین شاخص روستاییان برای تبیین وضع مطلوب.

۱. تأکید بر گردآوری داده‌های کمی و کیفی در نیازسنجی که موجب می‌شود تا در مقایسه با روش پژوهش پیمایش، نیازهای زنان روستایی به‌طور عمیق مورد بررسی قرار گیرد.

۲. غلبه بر مشکلات و تورشها و اربهای موجود در روشهای زمینه‌یابی.

● ارزیابی مشارکتی روستایی^{۳۴} (PRA):

ارزیابی مشارکتی روستایی یک مجموعه انعطاف‌پذیر از روشها می‌باشد که به منظور قادر ساختن مردم روستایی در ارزیابی و تجزیه و تحلیل وضعیت خود طراحی شده است. چمبرز (۱۹۹۲) که از پایه‌گذاران این روش است آن را یک فلسفه می‌داند که بر اساس آن افراد خارج از محیط جامعه مورد نظر نیاز پیدا می‌کنند تا از افراد داخل، درباره محیط و واقعتهای موجود آن جوامع یاد بگیرند. یکی از کاربردهای مهم این روش، تجزیه و تحلیل

ارزیابی مشارکتی روستایی

یک مجموعه انعطاف‌پذیر از

روشها می‌باشد که به منظور

قادر ساختن مردم روستایی

در ارزیابی و تجزیه و تحلیل

وضعیت خود طراحی

شده است

وضعیت و بررسی نیازهای مردم محلی می‌باشد. یکی از رموز موفقیت این روش نیز در این است که یک گروه بین‌رشته‌ای از متخصصان موضوعی، مروجان و دانشمندان و کارشناسان علوم اجتماعی و متخصص امور زنان روستایی، در آن مشارکت داشته و تلاش می‌شود تا مشکلات روستاییان از دیدگاههای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

به هر حال، ارزیابی مشارکتی روستایی در بر گیرنده خانواده‌ای از رهیافتها و روشها می‌باشد که برخی از آنها عبارت‌اند از: نقشه‌های فیزیکی، رتبه‌بندی ثروت، نقشه‌های اجتماعی، نمودارهای فصلی، نمودار ون، رتبه‌بندی ماتریسی، سرشماری مشکلات و...

در این روش، پس از انتخاب منطقه مورد نظر و بازدید آن تلاش می‌شود تا رابطه صمیمانه‌ای با مردم روستا برقرار شود و آنها توجیه شوند که هدف از انجام بازدید و سؤال و جوابها، کسب بهترین راه ارائه خدمات حمایتی و آموزشی است. پس از حصول اطمینان از رغبت روستاییان به همکاری، باید با استفاده از شیوه‌های گوناگون، اطلاعات و داده‌های مربوطه گردآوری شوند و خلاصه آنها در یک گزارش به چاپ برسد. بر همین اساس، ارزیابی مشارکتی روستایی یک روش شناسی تعامل با روستاییان، شامل درک و یادگیری از آنها می‌باشد.

این یک فرایند ارتباطی و مجموعه‌ای از اصول و شیوه‌های متنوع است که مشارکت روستاییان را در زمینه‌های مختلف جستجو می‌کند تا تواناییهای آنها را در تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات محیطی ارتقا دهد. مبنای این روش، ابتدا گردآوری سریع اطلاعات بوده و در ادامه سعی می‌کند تا با شناسایی و بسیج گروههای مختلف مردم محلی، مشارکت آنان را در مراحل مختلف برنامه‌های توسعه روستایی از تصمیم‌گیری و طراحی پروژه تا اجرا، نظارت و ارزشیابی تشویق نماید. این یک روش یادگیری

دوسویه بین محققان و روستاییان است و تلاش می‌کند تا شرایط شناخت اهمیت دانش بومی و زمینه‌های به کارگیری آن را در برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی فراهم سازد. برخی از مزایای این روش عبارت‌اند از:

◆ انعطاف‌پذیری در گردآوری داده‌ها

روشی برای نیازسنجی و ایجادنیاز جدید در بین

زنان روستایی

◆ فرایندی برای یادگیری و تواناسازی و ابزاری

برای گردآوری داده‌ها (مشارکت ابزاری و تحولی)

◆ ارزشگذاری به دانش و تجربه‌های بومی و

ارزشهای محلی

چند نکته مهم در نیازسنجی برنامه‌های ترویجی برخی از نکته‌ها یا شیوه‌نامه‌هایی که باید توسط کارکنان ترویج در کار نیازسنجی مورد توجه قرار گیرند، عبارت‌اند از:

۱. مقصود و هدفهای اصلی کار نیازسنجی باید تعیین شود. در بین هدفهای مختلف، طراحی یک برنامه پاسخگو، دستیابی به هدفهای سازمانی و اداری، تشویق مشارکت شهروندان در برنامه‌ها و... ممکن است به عنوان هدفهای اساسی مطرح باشند.

۲. هدفهای اختصاصی و جزئی نیازسنجی باید تعیین شوند، بدین ترتیب که قرار است به اطلاعاتی درباره چه کسانی و به چه منظوری جمع‌آوری شود. در این مرحله باید میزان مشارکت مخاطبان در تعیین هدفها مشخص شود.

۳. رهیافت و روش جمع‌آوری داده‌ها باید تعیین شود. در این مرحله باید معلوم شود که آیا اطلاعات مورد نیاز از قبل وجود دارد یا خیر؟

اگر وجود ندارد با چه رهیافتی باید اطلاعات مورد نیاز گردآوری شوند.

۴. بعد از تعیین رهیافت، نوبت طراحی ابزار و شیوه‌های گردآوری اطلاعات است. این ابزار باید تا حد امکان ساده و کم هزینه باشد. بعد از آماده‌سازی ابزار گردآوری اطلاعات باید آن را با هدفهای اصلی و اختصاصی نیازسنجی، مطابقت داد تا معلوم شود که با استفاده از آن، اطلاعات غیرضروری گردآوری نمی‌شوند.

۵. در گام بعدی باید جدول زمان‌بندی و همچنین، بودجه مورد نیاز برای کار نیازسنجی تعیین شود. منابع موجود در این زمینه، عوامل اصلی و تعیین کننده می‌باشند. این امر در کشورهای در حال توسعه که در آنها منابع محدود می‌باشند، اهمیت زیادی دارد. باید به این نکته نیز توجه داشت که محدودیتهای موجود نباید بهانه‌ای برای ارائه یک کار نیازسنجی با کیفیت پایین باشد.

۶. ابزار یا شیوه‌های طراحی شده باید در یک سطح محدود مورد آزمایش قرار گیرند و بر این اساس، اشتباه احتمالی در آنها برطرف شود.

۷. اطلاعات باید به دقت گردآوری شوند و البته زمان جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز باید مشخص و محدود باشد. تخصیص زمان گسترده به این امر ممکن است مشکلاتی را از جمله؛ «عدم اهمیت دادن به موضوع» یا «انحراف از مسئله اصلی»، به همراه داشته باشد.

۸. داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده باید با استفاده از برنامه‌های کامپیوتری مناسب، تجزیه و تحلیل شوند.

۹. گزارشی از یافته‌ها تدوین شود. بهتر است که این گزارش به زبان ساده و در بخشهای گوناگون با استفاده از تصاویر و نمودار تهیه شود. البته تهیه گزارشهای دیداری - شنیداری (فیلم و ویدئویی، اسلاید...) در کنار گزارشهای چاپی توصیه می‌شود.

۱۰. کل عملیات انجام شده، مورد ارزشیابی قرار گیرد و نقاط ضعف و قوت آن مشخص شود.

خلاصه و پیشنهاد

شرط اولیه و پیش نیاز اصلی توسعه کشاورزی، آموزش کشاورزان یا به عبارت جامعتر، توسعه منابع انسانی فعال در این بخش می‌باشد. در طی چند دهه گذشته به تناسب تغییر در رهیافتها و مفاهیم توسعه، تحولاتی در هدفهای اصلی ترویج پدید آمده، به طوری که امروزه ترویج تنها محمولی برای انتقال فن آوری نبوده، بلکه توسعه منابع انسانی در بخش کشاورزی را اصلی ترین هدف خود به حساب می‌آورد. در بین ابزارهای متعدد برای توسعه منابع انسانی مانند فراهم کردن تغذیه مناسب، خدمات بهداشتی و ...، آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شاید به همین دلیل باشد که ترویج قبل از آن که یک نظام خدمات رسانی عمومی محسوب شود، به عنوان یک مکتب آموزشی شناخته می‌شود. به هر حال ترویج با هر عنوان که نامیده شود، مهمترین وظیفه آن، برطرف نمودن نیازهای آموزشی روستائیان است. این امر مهم زمانی انجام خواهد پذیرفت که مروجان و برنامه‌ریزان ترویج با مفهوم «نیاز» و فرایند «نیازسنجی» بویژه تعیین «نیازهای آموزشی» آشنا باشند. نیاز یک حالت کمبود و نقصان در فرد می‌باشد که در او احساس عدم رضایت از وضع موجود را ایجاد می‌نماید. این امر البته زمانی مفهوم دارد که کشاورز نسبت به شرایط

شرط اولیه و پیش نیاز اصلی توسعه کشاورزی، آموزش کشاورزان یا به عبارت جامعتر، توسعه منابع انسانی فعال در این بخش می‌باشد

توجه بیشتری نموده و سعی کنند تا به دور از سلیقه‌های شخصی، روشهای علمی مطرح شده را در این زمینه به کار گیرند. مسئولان بررسی و نظارت بر طرحها و برنامه‌های آموزشی نیز باید هر برنامه‌ای را که نیازسنجی آن تنها بر اساس ذهنیات مروجان و کارشناسان بوده و فاقد به کارگیری روشهای عملی نیازسنجی است، مورد تردید قرار داده و در اصلاح آن بکوشند تا در آینده، کارایی نظام آموزش و ترویج کشاورزی به طور کلی و برنامه‌های ترویجی به طور خاص برای زنان روستایی، ارتقا یابد.

پانوشتها

- 1- Farmer information Needs Assessment (FINA)
- 2- Demand - driven extension
- 3- Individual techniques
- 4- Face - to - Face interview
- 5- Structured
- 6- Unstructured
- 7- key informant interview
- 8- Questionnair
- 9- Informal personal observation
- 10- Extension worker diary
- 11- Formal personal observation
- 12- Survery research
- 13- Chambers, 1983; Fowler et al, 1990; Rhoades, 1990; and Gill, 1993.
- 14- Spatial biases
- 15- Time biases
- 16- People biases
- 17- Project biases
- 18- Group techniques
- 19- Open - ended question
- 20- Focus group interviews
- 21- Krueger, 1994.
- 22- Moderator + assistant moderator
- 23- Questioning route
- 24- The nominal group
- 25- Delbecq, 1975.
- 26- Miller and Hustedde, 1987.
- 27- Informal group methods
- 28- Rapid Rural Appraisal
- 29- Robert Chambers, Peter Hildebrand, Robert Rhoades and Micheal Collinson.
- 30- Mukherjee, 1993.
- 31- Grady and Thies, 1991; Feyera et al, 1997.
- 32- Feyera et al, 1997.
- 33- Mukherjee, 1993.
- 34- Participatory Rural Appraisal

وضع مطلوب و فاصله آن با وضع موجود آگاهی داشته باشد. به این دسته از نیازها، «نیازهای احساس شده» می‌گویند. بسیاری از نیازها با عنوان «نیازهای پنهان» توسط کشاورزان احساس نمی‌شوند که البته روش شناسایی آنها متفاوت بوده و این امر به عهده کارشناسان است. برای شناسایی نیازهای آموزشی، روشهای متعددی وجود دارد که عمده ترین آنها عبارت‌اند از: پژوهش پیمایشی، ارزیابی سریع روستایی، ارزیابی مشارکتی روستایی و بررسی یادداشتهای ملاقات مروجان.

هر چند که مفهوم نیاز و فرایند تعیین آن در بسیاری از اصول در بین دو جنس زن و مرد مشترک است، ولی این امر قابل تعمیم در همه موارد نیست. تحقیقات گوناگون نشان داده که زنان در بسیاری از موارد، نیازها و مشکلات خاصی دارند و در فرایند نیازسنجی آموزشی آنان باید به نکته‌های خاصی توجه شود. مهمترین این نکته‌ها، نهادینه کردن مسائل جنسیتی در نظام آموزش و ترویج است که به طور خودکار بر فرایند نیازسنجی تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین، کارشناسان ترویج باید ضمن آشنایی با اصول نیازسنجی آموزشی به مسائل خاص زنان روستایی توجه نمایند تا بتوان از برنامه‌های مربوطه، انتظار ثمربخشی و کارایی بالایی را داشت. از آنجایی که کارایی برنامه‌های آموزشی و ترویجی به دقت و صحت برنامه‌ریزی، وابسته می‌باشد، باید در این فرایند به اصول و نکته‌های علمی و تجربه‌های میدانی حاصله، توجه خاصی بشود.

نیازسنجی آموزشی پایه و اساس و از مهمترین گامهای برنامه‌ریزی آموزشی و ترویجی است که عدم اجرای مناسب آن، معادل با اتلاف زمان، سرمایه و نیروی انسانی می‌باشد.

بنابراین، پیشنهاد مشخص حاصل از بررسی فوق این است که افراد مسئول برنامه‌ریزی آموزشی و ترویجی زنان روستایی باید به اصول علمی مربوطه